



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره مسلسل ۹۵

دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۹۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۳۶

فهرست مطالب :

- ۱) تصویب صورت مجلس
 - ۲) تقدیم چند فقره سؤال بوسیله آقای خلعتبری
 - ۳) سؤال آقای بهبهانی راجع به میزان ضرر اداره کل غله و جواب آقای وزیر کمرکات و انحصارات
 - ۴) سؤال آقای مهدوی راجع به برق طهران و شهرستانها و جواب آقای وزیر کشور
 - ۵) سؤال آقای خلعتبری راجع به پرداخت ترمیم حقوق پزشکان و جواب آقای وزیر بهداری
 - ۶) اخذ رأی و تصویب انتخاب کمیسیون ۱۸ نفری از شعب جهت رسیدگی بلامحه نفت
 - ۷) مذاکره در گزارش شورا اول کمیسیون امور خارجه راجع بسازمان و مقررات استخدامی وزارت امور خارجه از ماده ۳۹
 - ۸) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس يك ساعت و ۴ دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان : دکتر -

آهی . دکتر نفیسی . رامبد . پروفیسور اعلم .

صدرزاده . صفاری . قرشی . محمودی .

مشار . صادق بوشهری . مهندس اردبیلی .

دولت شاهی . دولت آبادی . کاظم شبیانی . دکتر

نیرومند . جلیلی . دکتر مشیر فاطمی . توماج .

تیمرتاش . حمیدی نوری . قوام . دادگر .

مسعودی . برومند . مهندس بهبودی . دکتر بیرنیا

سنندجی . اقبال . دکتر ضیائی . معین

زاده . اورنگ . اعظم زنگنه . یارافشار .

مهندس فروغی . بزرگ ابراهیمی . اریه .

بیات ماکو .

غائبین بی اجازه - آقایان : اخوان .

قراگزلو . دکتر طاهری . دکتر

عمید .

دیر آمدگان وزود رفتگان با اجازه آقایان : بزرگ نیا . علامه وحیدی . عباسی . سراج حجازی . سالار بهزادی . نثار الاسلامی . مهندس فیروز . دکتر سعید حکمت . مهندس شبیانی .

رئیس - آقای حشمتی بفرمائید

حشمتی - در ضمن بیانات بنده در روز

۳شنبه در صورت جلسه ذکر شده است که بنده عرض کرده ام طرفدار دولت ها بوده ام،

در صورتی که من عرض کردم طرفدار رژیم بوده ام و الا همه می دانید که بعضی دولت ها

مراجعه کرده اند و با آنها مخالفت داشته ام هیچوقت بوجار لنگان نبوده ام مخالفت و موافقت

من همیشه صریح بوده ام خواهش میکنم اجازه بفرمائید اداره تند نویسی اصلاح کند .

رئیس - اصلاح میشود آقای امید سالار بفرمائید .

امید سالار - يك اصلاح عبارتی است که تقدیم میکنم .

رئیس - دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شده

۲- تقدیم چند فقره سؤال

بوسیله آقای خلعتبری

رئیس - آقای خلعتبری

خلعتبری - چند سؤال است که تقدیم میکنم .

۳ سؤال آقای بهبهانی

راجع به ضرر اداره کل غله و جواب آقای وزیر کمرکات و انحصارات

رئیس - امروز سؤالات مطرح است . آقای بهبهانی بفرمائید .

بهبهانی - سؤال امروز بنده مربوط بنان تهران است در موقعی که بودجه سال

۳۶ در مجلس مطرح بود یکی از آقایان نمایندگان محترم پیشنهاد کرده بودند که

دولت برای ضرر نان تهران که تصور می - فرمودند این ضرر فقط برای نان تهران بوده

است چیزی صرف این کار نکنند در آن موقع بنده اینجا مخالفت کردم و عرض کردم

عوض اینکه نان تهران را گران کنند نان ولایات را ارزان کنند روح مطالبی

که اینجا از طرف آقایان اظهار شد این بود که چون عدد زیادی برای نان ارزان از ولایات تهران می آیند باین جهت از اینکار جلوگیری بشود و چون تهران نان ارزان تر

است یکمده ای از ولایات یا از دهات برای نان ارزان به تهران می آید ملاحظه بفرمائید چقدر

زندگی نباید سخت باشد که برای بدست آوردن يك لقمه نان ارزان از ولایات دور

دست بلند شوند بیایند اینجا در همانه موقع از طرف مسئولین نان تهران يك کاغذی

به بنده نوشته شد و در آن توضیح داده است که تنها کمک بنان تهران نمی شده

بلکه به تمام ولایات کمک میشده است بطور مثال عرض میکنم اصفهان - اراک -

بروجرد - بیرجند - بیجار - تبریز - دامغان زنجان - زابل - سمنان - شاهرود - شیراز -

قم - قزوین - کردستان - کرمان - مشهد - نهاوند - همدان (بعضی از نمایندگان - هیچ

کمکی نشده) یزد - رشت - تمام اینجا ها کمک شده است این صورتی است که اداره

نان وزارت دارائی رسماً به بنده نوشته است (بکنفر از نمایندگان - از این صورت های

قلابی خیلی نوشته اند) فلانی است ؟ حالا اینجا آقای تیمسار ضرغام تشریف دارند

می آیند توضیح میدهند این نامه ای است که به بنده نوشته اند . با اظهار تشکر از

فرمایشاتی که در جلسه مورخه ۲۱ اسفند ماه جاری در مورد الحاق تبصره منع وزارت

دارائی از پرداخت زیان هملکردن تهران بودجه سال ۱۳۳۶ فرمودند نظر باین

که در ضمن مذاکرات اینطور وانمود شد که اداره کل غله سالیانه حدود چهل تا

پنجاه میلیون تومان زیان نان تهران را می بردارد . با اینکه اظهار نظر در الحاق و تصویب این تبصره از طرف اینجانب

بیمورد و قطعاً سیاست دولت اقتضا نمیکرده

است که چنین تصمیمی اتخاذ و بر حمله عمل در آمد ولی چون اصولاً رقم پنجاه میلیون زیان عاری از حقیقت معلوم نیست پایه و اساس این رقم از کجا و متکی بچه اصلی است لذا برای مزید استحضار بطور اختصار توضیحاتی مرسوم میگردد :

قبل از تصدی اینجناب در اداره کل غله و نان روزانه سیصد تن کتدم به بهای هر تن ۲۷۰۰ ریال علاوه بر سهمیه آردی که بدکا کین نانوائی دولتی تحویل میشود بدکا کین نانوائی آزادیز فروخته می شد که نان را برنج هر کیلو چهار ریال در دسترس مردم فرار دهند چون صرف نظر از زیانی که بخزان دولت در نتیجه اجرای این تصمیم وارد میشد اصولاً تأمین روزی پانصد تن کتدم و آرد خالی از اشکال نبود لذا برای تقبیل سهمیه و افزایش نرخ فروش شروع با اقدام و بالتیجه سهمیه نانوائیان آردیز را از روزی سیصد تن بر روی هشتاد تن تقبیل و نرخ فروش را از ۲۷۰۰ ریال به ۴۵۰۰ ریال افزایش داد که بانجام این عمل چنانچه حد متوسط قیمت تمام شده کتدم محصول کشور در سالهای ۲۴۳۳ و ۲۴۳۴ هر تن ۵۴۰۰ ریال محسوب شود بانوجه بمقدار ۲۲۰ تن که از میزان سهمیه تحویلی کاسته شده و تفاوت اضافه قیمت هشتاد تن سهمیه تحویلی روزانه ۷۳۸۰۰۰۰ ریال و سایرانه ۳۶۹۳۷۰۰۰۰ ریال از زیان قطعی دولت کاسته شد و چون همواره مترصد بودم که برای کاهش بیشتری از میزان زیان عملکرد اداره غله بانخاذ رویه و تدبیری که هم مقصود و منظورهای تأمین وهم به حسن جریان امر نان لطفه ای وارد نشود و از طرفی چون قسمتی از زیان حاصله معلول وجود تعداد باب دکان نانوائی دولتی بوده و هر کدام با مقایسه بهای تمام شده کتدم و نرخ فروش آرد دولتی روزانه ۱۴۰۰ ریال برای دستگاه ضرر داشتند لذا برور از تعداد دکان کین دولتی حدود ۱۵۰ باب آزاد پزی تبدیل و روزانه حدود ۲۱۰۰۰۰۰ ریال و سایرانه بالغ بر ۷۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال از زیان اداره غله کاهش یافت و برای اینکه بتوانند نان را بنرخ افراد کشور این قبیل زیانها بوجه مملکتی تحویل میشود و اصولاً چون موضوع نان جنبه حیاتی دارد سیاست دولت نیز اقتضا دارد که همواره کنترل امر نان را در اختیار داشته و این مختصر زیان را متحمل شوند و علاوه اگر با وانمود کردن رقم پنجاه میلیون تومان بوجه و هزینه های پرسنلی اداره کل غله را نیز بر رقم زیان اضافه نموده باشند دوران انصاف است زیرا اعم از اینکه اداره کل غله منحل و یا بوضع فعلی باقی بماند وزارت دارائی ناگزیر است حقوق کارمندان خود را پرداخت و مخارج ضروری سلولها و سایر تأسیسات این اداره را بردارد که در اینصورت اختلاط این هزینهها با زیان نان تهران به هیچوجه مورد نخواهد داشت

رئیس - آقای بهبهانی شما یک ربع بیشتر وقت بدادید (بهبهانی - چیزی نمانده است چقدر از وقت بنده مانده) هفت دقیقه مقصود این است که در وقت صرفه جوئی کنید که اگر خواستید بعد صحبت کنید بتوانید.

بهبهانی - که قطعاً اگر با تنظیم برنامه مناسب تری که شمع باعث ترغیب و تشویق مالکین و کشاورزان با زیاد سطح کشت و اطمینان خاطر آنها با افزایش میزان تولید غلات گردیده و هم موجب شود که محصول کشور بمیزان مورد نیاز دولتی جمع آوری گردد مسلماً از رقم زیان فعلی نیز مبلغ بیشتری کسر خواهد شد. علاوه اینکه اشاره شده است اداره کل غله فقط برای تأمین نان تهران متحمل اینهمه زیان و خسارت میشود باید برض برسانه که اداره کل غله تنها شروع با اقدام و بالتیجه سهمیه نانوائیان آردیز را از روزی سیصد تن بر روی هشتاد تن تقبیل و نرخ فروش را از ۲۷۰۰ ریال به ۴۵۰۰ ریال افزایش داد که بانجام این عمل چنانچه حد متوسط قیمت تمام شده کتدم محصول کشور در سالهای ۲۴۳۳ و ۲۴۳۴ هر تن ۵۴۰۰ ریال محسوب شود بانوجه بمقدار ۲۲۰ تن که از میزان سهمیه تحویلی کاسته شده و تفاوت اضافه قیمت هشتاد تن سهمیه تحویلی روزانه ۷۳۸۰۰۰۰ ریال و سایرانه ۳۶۹۳۷۰۰۰۰ ریال از زیان قطعی دولت کاسته شد و چون همواره مترصد بودم که برای کاهش بیشتری از میزان زیان عملکرد اداره غله بانخاذ رویه و تدبیری که هم مقصود و منظورهای تأمین وهم به حسن جریان امر نان لطفه ای وارد نشود و از طرفی چون قسمتی از زیان حاصله معلول وجود تعداد باب دکان نانوائی دولتی بوده و هر کدام با مقایسه بهای تمام شده کتدم و نرخ فروش آرد دولتی روزانه ۱۴۰۰ ریال برای دستگاه ضرر داشتند لذا برور از تعداد دکان کین دولتی حدود ۱۵۰ باب آزاد پزی تبدیل و روزانه حدود ۲۱۰۰۰۰۰۰ ریال و سایرانه بالغ بر ۷۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال از زیان اداره غله کاهش یافت و برای اینکه بتوانند نان را بنرخ افراد کشور این قبیل زیانها بوجه مملکتی تحویل میشود و اصولاً چون موضوع نان جنبه حیاتی دارد سیاست دولت نیز اقتضا دارد که همواره کنترل امر نان را در اختیار داشته و این مختصر زیان را متحمل شوند و علاوه اگر با وانمود کردن رقم پنجاه میلیون تومان بوجه و هزینه های پرسنلی اداره کل غله را نیز بر رقم زیان اضافه نموده باشند دوران انصاف است زیرا اعم از اینکه اداره کل غله منحل و یا بوضع فعلی باقی بماند وزارت دارائی ناگزیر است حقوق کارمندان خود را پرداخت و مخارج ضروری سلولها و سایر تأسیسات این اداره را بردارد که در اینصورت اختلاط این هزینهها با زیان نان تهران به هیچوجه مورد نخواهد داشت

حالا بنده منظر میشوم تیمسار فرمایشات خودشان را بفرمایند تا بعداً اگر در مورد توضیحاتی عرض کنم

رئیس - آقای وزیر کمراکات و انحصارات بفرمائید.

وزیر کمراکات و انحصارات (سر تپ صرغام) - سؤال نماینده محترم شامل سه قسمت بود قسمت اول اصلاحی که ایشان پیدا کردند ۵۰ میلیون تومان ضرر نان تهران مربوط بنان تهران نیست، ادعای ایشان کاملاً صحیح است همانطور که خودشان هم توضیح دادند از این ۵۰ میلیون تومان ۱۲ میلیون تومان مربوط بنان تهران نیست ارقام جز دیگری را هم بنده عرض میکنم ضرر نان تهران مجموعاً در سال ۲۵-۱۹۰۸۲۳۸۱۳۲ تومان است در مقابل این یک ضرری هم برای نان شهرستانها داده شده و در بعضی شهرستانها هم کمک های جنسی شده است ضرر نان شهرستانها مجموعاً در سال ۲۵-۱۲۴۱۳۲۱ تومان بود قسمت دیگر ضرر نان ارتش است و آن عبارت از این است که در سال در حدود بیست هزار تن غله به یاد گانهای نظامی میدهند تنی ۵۴۰ تومان در صورتی که تنی ۶۰۰ تومان برایشان تمام میشود آنهم مجموعاً در حدود ۱۲۰۰۰۰۰ تومان است که مجموعاً ضرر نان در حدود ۱۸ میلیون تومان است ولی باید یک رقمی باین افزود و آن ۲۹ میلیون تومان بودجه اداره غله است که این ۲۹ میلیون تومان آن فقط خرج سیلوی تهران است این خرج اعم از این که دولت نان تهران را بدهد بگیرد یا نگیرد چون عدهای در آنجا کار میکنند این ضرر باید داده شود مجموعاً از این ۲۹ میلیون تومان ۱۴ میلیون تومان بودجه پرسنل اداره کل غله و نان است که کارمندان تشکیل میدهند ۶ میلیون تومان برای حمل و نقل و گذاشتن مأمورین در ولایات، انبار داریها و کرایه انبارها است ۹ میلیون تومان هم که عرض کردم خرج سیلوی تهران است این ۲۹ میلیون تومان بودجه اداره کل غله است که مجموعاً ۴۷ میلیون تومان اداره غله در سال ۲۵ ضرر داده است البته با این توضیحی که بنده دادم هم گفتار وزیر دارائی وقت صحیح بوده است و هم اعتراض نماینده محترم، هر دو صحیح بوده است (احسن) بنظر بنده باید اول نرخ غله را بالا برد و بانرخ غله بالا بردن حتی المقدور سعی کرد ضرر نکرد و نرخ را هم تعدیل کرد این یک امر عادی است و بایستی نان شهرستانها ارزاتر از تهران باشد چرا که آنجا هم کشت است و اینجا هم کشت است بایستی در شهرستانها ارزاتر از تهران باشد برای اینکه در آذربایجان و یا خوزستان راداده است در سال ۲۵ که مربوط بدو شهرستان است البته همانطور که در برنامه ای که ایشان قرائت کردند قید شده بود هر جا که احتیاج پیدا شده کومک کرده اند

چون در در شهرستان بیشتر احتیاج پیدا شده است که یکی مشهد و دیگری تبریز بوده در میزان کمک راهم بنده در این باره بخواهم عرض میکنم و نظر برای اینکه اضافه دلام نتواند توضیح نمیدهم ولی قسمت تبریز و مشهد را هم میبینم تبریز یکی ۲۰۰ تن و یکی ۳۰۰ تن کسار فرار تنی ۳۰۰ و ۵۰۰ تومان داده شده است مشهد ۲۷۰۰ تنه از فرار تنی ۴۵۰ تومان داده شده است ۱۲۰۰ تومان برای دولت ضرر کرده این میزان کمک هائی است که برای دو شهرستان خنده و سایر شهرستانها هم صورت ریزش هست آقایان! که اعتراض فرمودند اگر بخواهند صورت ریزش کامل را بنده اینجا آورده ام ممکن است توضیح بدهم اما قسمت سوم که اصل سؤال هست و بنده میخواستم دهن آقایان نماینده نان محترم را متوجه این قسمت کنم سؤال شده است در صورتی که تصدیق پیشهاری یکی از آقایان نمایند نان و قبول فیلی دارائی مربوط بقطع کومک بموقع باشد دولت اطمینان دارد که قیمت نان در تهران ترفی فاحش خواهد کرد و یا عدهای دیگر کمبایان موجبات ناراحتی و عصبانیت و بالطبع ترفی فاحش قیمت را در بر نخواهد داشت این جوابی است که بنده راجع باین موضوع میدهم: البته صلاح است که دولت نظارتش را از روی غله بردار و منتهی با برنامه صحیح و یک طوری که بشود بموقع از زیر این بار شانه خالی کرد این کار عملی هست جناب آقای بهبهانی در توضیحاتی که اینجا میفرمودند دادند چرا نان تهران را کران کنید؟ شهرستانها را اران نکنید که مردم مجبور بیاروند تهران البته این حرف بسیار صحیح است ولی در مقابل این عامل دیگری هم هست و آن فروش کتدم است نان ارزان کرد خیلی خوب است اگر بنده بگویم نان تهران کمیون دو قران و نان شهرستانها کیلوی یک قران بشود این حرف صحیحی است ولی باید کتدم راهم از یک مشت مردم دیگر خرید که آنها هم افراد این مملکت هست و قصماً زحمت می کشند و با وسایل خیلی قدیمی دارند کار می کنند باید فکر آنها را هم کرد (صحیح است) بنظر بنده باید اول نرخ غله را بالا برد و بانرخ غله بالا بردن حتی المقدور سعی کرد ضرر نکرد و نرخ را هم تعدیل کرد این یک امر عادی است و بایستی نان شهرستانها ارزاتر از تهران باشد چرا که آنجا هم کشت است و اینجا هم کشت است بایستی در شهرستانها ارزاتر از تهران باشد برای اینکه در آذربایجان و یا خوزستان راداده است در سال ۲۵ که مربوط بدو شهرستان است البته همانطور که در برنامه ای که ایشان قرائت کردند قید شده بود هر جا که احتیاج پیدا شده کومک کرده اند

بنده عقیده ام این است که دولت هر مقداری و هر ملتی را که صلاح میدانند قیمت کند را معین کند اشکال ندارد برای اینکه برای زارع صرف کند و بفروشد ولی بایستی قیمت فروش غله را از این جهت که طبقه سوم و اشخاصی که در این مملکت هستند اقلاً بنان خالی برسد یک قیمتی بگذارند که گران نباشد و اگر ضرر هم میدهند اشکالی ندارد چون مالیات را از همان طبقه سوم میگیرند یک کاری میکنند که این طبقه اقلاً نان خالی گیرشان بیاید بنده نظرم این بود و از جنابعالی انتظار دارم در این مدتی که در دست های مختلف بودید و ایقت و شایستگی از خود نشان دادید در این مورد هم نان تهران را تأمین کنید (انشاء الله)

۴- سؤال آقای مهدوی راجع به برق تهران و شهرستانها و جواب آقای وزیر کشور

رئیس - آقای سعید مهدوی بفرمائید سعید مهدوی - بنده در سال گذشته موقی که برق تهران اغلب شب ها خاموش بود چون در اطراف برق صحبت های زیادی میشد و شایعات زیادی در این قسمت رواج داشت بنده اینطور فکر میکردم که چطور است باهمان اوضاع و احوال شرکت های خصوصی مرتباً داوطلب ایجاد کارخانه برق هستند و در تهران و شهرستانها دستگاههایی دارند که کار میکنند ضرر نمیکند و منفعت هم میبرند چطور است این بنگاه مستقل برق با این شکلاتی که دارد بفکر نمی افتد که برق تهران را از این صورت خارج کند و دولت هم بکوشد تا برق شهرستانها را از این وضعیت حاضر خلاص کند بنابر این چطور است که دولت توجه نمیکند که بطور سهل و ساده این کار انجام بشود متأسفانه بنده یاد هست در همان موقع که صحبت از همین تنقیداتی که میشد بود در نظر آقایان که مردم برقی پیدا نکردند از این تنقیدات يك عده ای از نرود گفته شد استفاده میکنند و چه بسا این معاملات بزرگ را بفتح خودشان انجام میدهند در صورتی که برای مردم نفعی ندارد و برقی بوجود نمی آید بنده در ۲۴ اسفند بقله کرده اند بسیار خوب است و بنده هم مخالف نبودم برای اینکه قیمت خرید غله را بالا ببرند بنظر بنده این است که قیمت خرید غله هم باید صرف کند برای کسانی که کتدم میکارند ولی بنده عقیده ام این است که بایستی طوری شود که طبقه فقیری بی بضاعت نان ارزان بدست بیاروند یعنی مادر یک مملکتی زندگی میکنیم که میلیونها دلار در عرض یکسال در آن آمده و هر روز در روزنامه نوشته اند که ۷ نفر زن و بچه از زور گرسنگی رفته اند علف خوردند و مردم گرسنه اند روزنامه اطلاعات را ملاحظه بفرمائید

صحت شد و ما هم استفاده ای که کردیم این بود که فقط اسم آستومر آباد گرفتیم و هیچ آزاری بنده از آن معامله در هیچ کجا متکسر نیست در صورتی که ۵۰ هزار کیلووات واحد ده هزار کیلووات است یک کارخانه ای که يك واحد ده هزار کیلووات را فروخته بود و بعد از آن قرارداد را امضاء کرده بود تحویل تهران داد و از آن کارخانه ۵۰ هزار کیلووات هیچ آزاری نیست و از تاریخ امضاء آن قرارداد دو سال سه سال پنج سال هر چه بوده میگذرد امروز ما باید ۵۰ هزار کیلووات برق داشته باشیم این بود که بنده را این فکر انداخت که در همین موقع که ممکن است يك آبادی پیدا بشوند و يك معاملاتی بکنند که باز برای تهران برقی مانند برق آستومر باشد این بود که از دولت این سؤال را کردم و حالا هم از دولت استعفا می کنم این امر مهم توجه بفرمایند بالاخره همانطور که مؤسسات و از مشرتبهای خودشان انتظار دارند اصولاً بنگاه برق را که در این مملکت دایر کردیم و آنرا بصورت بنگاه گذاشتیم برای اینکه تسهیلات در کارش باشد اما مشتری کین هم از او يك مسئولیت هائی میخواهند شما وقتی بنده برق میدیدم بنده مسئول آبونمان را سر هر ماه بیز دازم اما شاهام نمی توانید کسر موقع من برق ندهید این بنظر بنده يك نوع کلاهبرداری است که شما يك معامله ای بکنید در مقابل چیزی ندهید بنده متزلم در زعفرانیه شمشیران است برق آنجا را از يك شرکت خصوصی گرفته ام ولی برق شهرداری را هم دارم تصادفاً روزی اتفاق افتاد که از برق شهرداری خواستم استفاده کنم دیدم برق نیست تلفظ کردم معلوم شد که سه ماه است برق قطع شده است و بنده هنوز نفهمیده بودم که سه ماه است برق شهرداری قابل استفاده نیست اینست که بنده استدعا میکنم باین دستگاه اصلاً شهرستانها روزها که برق میخواهند شبها هم زود بخواهند که برق نخواستند و بعد از این تجربه یکساله و مشکلاتی که بنظرشان رسید باین نتیجه رسیدند که بیابند برق کشور را کمتر کر کنند یعنی يك مرکزی را برای برق تمام کشور قرار دهند و تمام اعتباراتی که سازمان برنامه دارد بکنند بهتر است چون صحبت بود که برق را قرار است کیلوواتی يك قران ۱۰ شاهی بدهند و با این قیمت هم ضرر نمی کنند بنده منظورم اینست که باین وضعی که برق دارد میبایستی بکنی از این دستگاه صرف نظر کنیم و بنده منتظر جواب جناب آقای وزیر هستم.

رئیس - آقای وزیر کشور (دکتر جلالی) - بنده اول سؤال جناب آقای سعید مهدوی را قرائت میکنم که باسخ مربوط بهمان باشد سؤال نمودند و با اوضاع و احوال برق تهران و شهرستانها بقراری که شایع است

چون در در شهرستان بیشتر احتیاج پیدا شده است که یکی مشهد و دیگری تبریز بوده در میزان کمک راهم بنده در این باره بخواهم عرض میکنم و نظر برای اینکه اضافه دلام نتواند توضیح نمیدهم ولی قسمت تبریز و مشهد را هم میبینم تبریز یکی ۲۰۰ تن و یکی ۳۰۰ تن کسار فرار تنی ۳۰۰ و ۵۰۰ تومان داده شده است مشهد ۲۷۰۰ تنه از فرار تنی ۴۵۰ تومان داده شده است ۱۲۰۰ تومان برای دولت ضرر کرده این میزان کمک هائی است که برای دو شهرستان خنده و سایر شهرستانها هم صورت ریزش هست آقایان! که اعتراض فرمودند اگر بخواهند صورت ریزش کامل را بنده اینجا آورده ام ممکن است توضیح بدهم اما قسمت سوم که اصل سؤال هست و بنده میخواستم دهن آقایان نماینده نان محترم را متوجه این قسمت کنم سؤال شده است در صورتی که تصدیق پیشهاری یکی از آقایان نمایند نان و قبول فیلی دارائی مربوط بقطع کومک بموقع باشد دولت اطمینان دارد که قیمت نان در تهران ترفی فاحش خواهد کرد و یا عدهای دیگر کمبایان موجبات ناراحتی و عصبانیت و بالطبع ترفی فاحش قیمت را در بر نخواهد داشت این جوابی است که بنده راجع باین موضوع میدهم: البته صلاح است که دولت نظارتش را از روی غله بردار و منتهی با برنامه صحیح و یک طوری که بشود بموقع از زیر این بار شانه خالی کرد این کار عملی هست جناب آقای بهبهانی در توضیحاتی که اینجا میفرمودند دادند چرا نان تهران را کران کنید؟ شهرستانها را اران نکنید که مردم مجبور بیاروند تهران البته این حرف بسیار صحیح است ولی در مقابل این عامل دیگری هم هست و آن فروش کتدم است نان ارزان کرد خیلی خوب است اگر بنده بگویم نان تهران کمیون دو قران و نان شهرستانها کیلوی یک قران بشود این حرف صحیحی است ولی باید کتدم راهم از یک مشت مردم دیگر خرید که آنها هم افراد این مملکت هست و قصماً زحمت می کشند و با وسایل خیلی قدیمی دارند کار می کنند باید فکر آنها را هم کرد (صحیح است) بنظر بنده باید اول نرخ غله را بالا برد و بانرخ غله بالا بردن حتی المقدور سعی کرد ضرر نکرد و نرخ را هم تعدیل کرد این یک امر عادی است و بایستی نان شهرستانها ارزاتر از تهران باشد چرا که آنجا هم کشت است و اینجا هم کشت است بایستی در شهرستانها ارزاتر از تهران باشد برای اینکه در آذربایجان و یا خوزستان راداده است در سال ۲۵ که مربوط بدو شهرستان است البته همانطور که در برنامه ای که ایشان قرائت کردند قید شده بود هر جا که احتیاج پیدا شده کومک کرده اند

آینده ، باید راه را برای آنها باز کرد ، در امریکا و در ممالک دیگر تزیینات برای این است که راه برای همه باز است ، غرض بنده این است که همینطوری نباید در این مواد نسبت باین قبیل اشخاص سختگیری کرد و اشخاصیکه حالا هستند مادامالعمر نتوانند وارد کادر سیاسی بشوند ، یا مادامالعمر نتوانند از دبیر سومی بالاتر بروند ، برای چه ؟ دیده شده است اشخاصی که مطابق مقررات نمیتوانستند دبیر سوم بشوند بعد نخست وزیر مملکت شدند ، حالا سناتور هستند ، از رجال بنام مملکت هستند ، بنابراین بنده در کلیات اسم نوشتن و در این ماده در مواد ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ بنده چند پیشنهاد داده ام ، منظوری از این پیشنهادها این است که خود آقای وزیر امور خارجه در درجه اول شخصاً و همینطور آقای مرآت اسفندیاری مخبر محترم و سایر آقایان اعضاء کمیسیون امور خارجه باین پیشنهادات توجه بفرمایند تا جایی که امکان دارد تساری بین اشخاص حفظ شود و تبعیض از میان برود و حق اشخاص را حفظ بفرمایند ، منظور بنده این بود .

رئیس - آقای معاون وزارت امور خارجه .

معاون وزارت امور خارجه
(مشفق کاظمی) - عرض بنده اول راجع بایرادی است که آقای امیدسالار فرمودند ، آن البته يك غلط مطبوعه است چون روح مطلب ماده همین است که ایشان در نظر داشتند که باید رعایت آن شرایط بشود بر عکس ، با رعایت آن ماده باید نوشته شود بنده تصدیق میکنم ، روح آن ماده آن جمله آخر است ، همین کسانیکه ما همین نویسی و مترجمی بوزارت امور خارجه می آیند باید در مرکز کار کنند این گرفتاری را وزارت امور خارجه داشته ، عده زیادی برای کارهای اداری آمدند و بعد خواستند زود وارد کادر سیاسی شوند (امیدسالار - پس با رعایت است) البته ، اما راجع بفرمایشات جناب آقای خلعتبری بنده خیال میکنم که این ماده آنطور نیست که تصور فرمودند ، برای ورود بوزارت امور خارجه يك شرایطی لازم است ، میزان تحصیلاتی لازم است ، بعد کنکور است ، ضمناً برای آنهاست که الان در وزارت امور خارجه هستند همان توضیح عرض کردم يك شرایط آسانتری در نظر گرفته شده که آنها هم بتوانند وارد خدمت سیاسی شوند ، آن کسانی را که گفتیم نمیتوانند بیش از درجه دبیر اولی بالا بروند کسانی هستند که هیچکدام از این شرایط تحصیلی را احراز نمیکنند و یا لیسانسیه نمی شوند ، حتی در علوم اداری و اجتماعی ، يك عضوی که الساعه در وزارت امور خارجه کاری کند و حالا تحصیل می کند و خودش را تکمیل میکند وقتی که

دارای آن شرایط تمام مقامات را میتواند به بیامید این است که برای جناب عالی سوء تفاهم رخ داده است ، آن کسانی را که نوشته ایم از نایب سوم یا نایب اول نتوانند بالاتر بروند اعضاء اداری هستند که نتوانسته اند خودشان را از لحاظ تحصیلاتی که لازم است تکمیل کنند برای عضویت سیاسی ، خیال میکنم باین طریق رفع اشکال بشود ، در کمیسیون هم مورد توجه قرار خواهد گرفت

رئیس - سه پیشنهاد رسیده است در این ماده که قرائت می شود .
(شرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد می کنم در ماده ۴۳ بعد از جمله ماده ۲۱ این جمله اضافه شود (در قسمت هائی که منافات با این ماده نداشته باشد) عبارت رتبی پیشنهاد می کنم تبصره ذیل به ماده ۴۳ اضافه شود :

تبصره - کارمندان اداری وزارت امور خارجه که در تاریخ تصویب این قانون دارای درجه ایسانس در حقوق میباشند با احتساب نصف سوابق اداری آنان بکادر سیاسی منتقل می شوند و مقامی که در حال از دبیر سومی تجاوز نخواهد نمود بآنان اعطای می شود .

عبدالله سعیدی
پیشنهاد می نمایم که تبصره ذیل به ماده ۴۳ اضافه شود .
تبصره - کارمندان اداری فعلی وزارت امور خارجه که دارای دانشنامه ایسانس و پنج سال سابقه خدمت دولتی و همچنین کارمندان اداری فعلی که دارای دیپلم کامل متوسطه ده سال سابقه خدمت دولتی باشند میتوانند بدون گذراندن امتحان بکادر سیاسی منتقل شوند . مهندس دهستانی
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی اینجانب پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده ۴۳ اضافه شود :

تبصره - کارمندان طبقه اداری وزارت امور خارجه که در تاریخ تصویب این قانون دارای درجه ایسانس در حقوق میباشند با احتساب نصف سوابق اداری آنان بکادر سیاسی منتقل می شوند و مقامی که در حال از دبیر سومی سفارت تجاوز نخواهد نمود بآنان اعطای خواهد شد . ارسال خلعتبری
رئیس - ماده ۴۴ قرائت میشود
(شرح زیر قرائت گردید)
ماده ۴۴ - وزارت امور خارجه می تواند کارمندان خود را که در تاریخ تصویب این قانون در طبقه اداری هستند با رعایت خدمت سیاسی شوند ، آن کسانی را که گفتیم نمیتوانند بیش از درجه دبیر اولی بالا بروند کسانی هستند که هیچکدام از این شرایط تحصیلی را احراز نمیکنند و یا لیسانسیه نمی شوند ، حتی در علوم اداری و اجتماعی ، يك عضوی که الساعه در وزارت امور خارجه کاری کند و حالا تحصیل می کند و خودش را تکمیل میکند وقتی که

این قانون در طبقه اداری هستند از حیث سنین خدمت اداری در وزارت امور خارجه بدورسته تقسیم میشوند و هر دسته فقط تا مقامیکه در زیر تعیین میگردد متدرجاً ارتقاء خواهند یافت

۱- آنهاست که بیش از ۱۵ سال تمام سابقه دارند حد اکثر بمقام معاون سر کنسولگری و دبیریکمی
۲- آنهاست که بیش از ۱۰ سال تمام سابقه دارند حد اکثر بمقام کنسول دوسر
رئیس - پیشنهادها قرائت می شود
(شرح زیر قرائت شد)
اینجانب پیشنهاد میکنم ماده ۴۵ حذف گردد . ارسال خلعتبری
رئیس - ماده ۴۶ قرائت میشود
(شرح ذیل خوانده شد)
ماده ۴۶ - مقامی که هر يك از کارمندان اداری تا تاریخ تصویب این قانون احراز کرده اند مقدار تقاضای آنها بقرارداد میشود و مدت توقف لازم در هر مقام از همین تاریخ محاسبه می گردد حد اقل توقف کارمندان اداری در هر مقام دو برابر حد اقل مقرر در ماده ۴۵ خواهد بود و سایر تشریفات ارتقائی مقام آنها نیز باید طبق قسمت دوم از فصل سوم این قانون انجام گیرد .

رئیس - کسی اجازه نخواسته است پیشنهادی رسیده قرائت میشود
(شرح زیر قرائت شد)
اینجانب پیشنهاد میکنم در ماده ۴۶ بجای عبارت (مدت توقف در هر مقام از همین تاریخ محاسبه میگردد) عبارت (و مقام بعدی از تاریخ احراز آخرین مقام محاسبه می گردد) نوشته شود . ارسال خلعتبری
رئیس - ماده ۴۷ قرائت میشود
(شرح زیر خوانده شد)
ماده ۴۷ - کارمندان طبقه اداری که تا بحال بمقامی بالاتر از حد اکثر مقام مقرر دست خود نائل گردیده اند مقام فعلی آنان بمنزله آخرین ارتقاء مقام آنها خواهد بود . کارمندان اداری که بیش از ۵ سال سابقه خدمت دارند در موقع اعزام بمأموریت مقام در هر مقام (مقرر در ماده ۴۵) که در حال از دبیر سومی سفارت تجاوز نخواهد نمود احتساب خواهد شد .
رئیس - پیشنهاد این ماده قرائت میشود
(شرح زیر قرائت شد)
اینجانب پیشنهاد می کنم در ماده ۴۷ عبارت (و در هر حال از دبیر سومی سفارت تجاوز نخواهد نمود) حذف شود . ارسال خلعتبری
رئیس - ماده ۴۸ قرائت میشود
(شرح ذیل قرائت گردید)
ماده ۴۸ - کارمندان فعلی طبقه اداری

که تاکنون بمأموریت رفته اند از تاریخ تصویب این قانون مقام آنان دفتر دار خواهد بود .
رئیس - کسی اجازه نخواسته است ماده ۴۹ قرائت میشود
(بشرح زیر قرائت شد)
ماده ۴۹ - کارمندان طبقه اداری که در تاریخ تصویب این قانون کمتر از ۵ سال سابقه خدمت در وزارت امور خارجه داشته باشند و با از این بیهیچیکارمندی این طبقه استخدام یا منتقل میشوند در صورت اعزام بمأموریت مقام آنها دفتر داری خواهد بود و مادام که در طبقه اداری هستند فقط با همین مقام مأموریت خواهند یافت
رئیس - پیشنهاد این ماده قرائت میشود .
(بشرح زیر خوانده شد)
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی نظریه تصویب ۴۴ پیشنهادی دولت در قانون بودجه که در کمیسیونهای مربوطه مطرح و مورد رسیدگی است تبصره در ماده ۴۹ قانون سازمان وزارت خارجه پیشنهاد مینمایم :

سوابق خدمت قبلی وابستگی فرهنگی کارمندان فعلی وزارت خارجه در نمایندگی های دولت شاهنشاهی در خارجه مشروط بر اینکه تصدیقات آنها در همان موقع حد اقل ایسانس بوده جزء خدمت رسمی و سیاسی آنها محسوب و بیا به استه قافی و مقام سیاسی آنها با رعایت مقررات قانون استخدام و این قانون تعیین و اعطای می شود . صارمی
رئیس - ماده ۵۰ قرائت میشود
(شرح زیر خوانده شد)
ماده ۵۰ - کلیه کارمندان اداره حسابداری استثنای رئیس آن که از طرف وزارت دارائی تعیین میشود باید از میان کارمندان وزارت امور خارجه باشند .
رئیس - آقای امیدسالار

امیدسالار - بنظر بنده چون موضوع ماده ۵۰ در ماده ۵۱ گنجانیده شده است ماده ۵۰ زیاده است در ماده ۵۰ می گوید کلیه کارمندان اداره حسابداری با استثنای رئیس آن که از طرف وزارت دارائی تعیین میشود باید از طبقه اداری وزارت امور خارجه باشند .
رئیس - پیشنهاد این ماده قرائت میشود
(بشرح زیر قرائت شد)
ماده ۵۱ - کلیه درمندان فعلی اداره حسابداری وزارت امور خارجه (باستثنای رئیس حسابداری) باید بتدریج در ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون بوزارت خانه های خود عودت داده شوند
وقتی ماده ۵۱ عملی شد ، یعنی در ظرف شش ماه وزارت امور خارجه آنهاست را که عضو وزارت امور خارجه نیستند به وزارتخانه خودشان عودت داد طبعاً دیگر کارمند خارجی ندارد مدلول ماده ۵۰

عملی شده و در همین ماده گنجانیده شده است وقتی که نفت در ظرف شش ماه مکلف است عودت بدهد دیگر ماده ۵۰ موردی ندارد (تیمورتاش - راجع بآینده است)
رئیس - پیشنهاد این ماده قرائت میشود
(بشرح زیر خوانده شد)
پیشنهاد می کنم ماده ۵۰ حذف شود امید سالار
رئیس - ماده ۵۱ قرائت میشود
(بشرح زیر خوانده شد)
ماده ۵۱ - کلیه درمندان فعلی اداره حسابداری وزارت امور خارجه (باستثنای رئیس حسابداری) آنهاست که از طرف وزارت دارائی تعیین میشوند در صورت اعزام بمأموریت مقام آنها دفتر داری خواهد بود و مادام که در طبقه اداری هستند فقط با همین مقام مأموریت خواهند یافت
رئیس - پیشنهاد این ماده قرائت میشود .
(بشرح زیر خوانده شد)
مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی نظریه تصویب ۴۴ پیشنهادی دولت در قانون بودجه که در کمیسیونهای مربوطه مطرح و مورد رسیدگی است تبصره در ماده ۴۹ قانون سازمان وزارت خارجه پیشنهاد مینمایم :

سوابق خدمت قبلی وابستگی فرهنگی کارمندان فعلی وزارت خارجه در نمایندگی های دولت شاهنشاهی در خارجه مشروط بر اینکه تصدیقات آنها در همان موقع حد اقل ایسانس بوده جزء خدمت رسمی و سیاسی آنها محسوب و بیا به استه قافی و مقام سیاسی آنها با رعایت مقررات قانون استخدام و این قانون تعیین و اعطای می شود . صارمی
رئیس - ماده ۵۰ قرائت میشود
(شرح زیر خوانده شد)
ماده ۵۰ - کلیه کارمندان اداره حسابداری استثنای رئیس آن که از طرف وزارت دارائی تعیین میشود باید از میان کارمندان وزارت امور خارجه باشند .
رئیس - آقای امیدسالار
امیدسالار - بنظر بنده چون موضوع ماده ۵۰ در ماده ۵۱ گنجانیده شده است ماده ۵۰ زیاده است در ماده ۵۰ می گوید کلیه کارمندان اداره حسابداری با استثنای رئیس آن که از طرف وزارت دارائی تعیین میشود باید از طبقه اداری وزارت امور خارجه باشند .
رئیس - پیشنهاد این ماده قرائت میشود
(بشرح زیر قرائت شد)
ماده ۵۱ - کلیه درمندان فعلی اداره حسابداری وزارت امور خارجه (باستثنای رئیس حسابداری) باید بتدریج در ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون بوزارت خانه های خود عودت داده شوند
وقتی ماده ۵۱ عملی شد ، یعنی در ظرف شش ماه وزارت امور خارجه آنهاست را که عضو وزارت امور خارجه نیستند به وزارتخانه خودشان عودت داد طبعاً دیگر کارمند خارجی ندارد مدلول ماده ۵۰

نمایند کان - استخدام جدید)
رئیس - آقای فضائی موافقت ؟
(فضایی - بله) بفرمایند
فضائی - جناب آقای دکتر شاهکار ظاهر این ماده این نوبت را ایجاد میکنند باعث همین اعتراضی که فرمودید می شود اما يك خصوصیتی در امور حسابداری هست چون در همه وزارتخانه ها این مشکل هست تصور میکنم همین بوده که موجب شده در این لایحه این ماده آمده است و آن این است که اطلاع دارید به موجب قانونی رؤسای حسابداری از وزارت دارائی تعیین میشوند رؤسای حسابداری که مأمور وزارت دارائی هستند غالباً مأمورین و گاهی بعضی از اعضای اداره حسابداری را به عنوان اینکه در امور حساب و امارت هستند از وزارت دارائی میخواهند و موافقت ضمنی و بلاخره موافقت وزارتخانه را مثلا وزارت خارجه را هم در این مورد جلب میکنند که اینها موافقت یا برای مدتی بپایند آنجا و کارهای حسابداری آنجا را برسد - اینها عضو وزارت خارجه نیستند و عضو وزارت دارائی هستند و برای کارها و امور مالی خاصی آمده اند آنجا ، به این ترتیب يك طبقه ای از وزارت دارائی یواش یواش کم کم ، البته خیلی هر ضکر کم و نقیم شأن مجلس نیست ، حالا هم از مقام ریاست اجازه میخواهم این ماده را بعنوان رئیس حسابداری وزارت امور خارجه نیستند باید بتدریج در ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون بوزارتخانه های خود برگردند - جناب آقای معاون وزارت امور خارجه بفرمایند این امتیازات و این دفتهائی که برای مأمورین اداری و سیاسی وزارت امور خارجه در نظر گرفته اند و تصویب گردید مطلقاً شامل حال آنها نیست و برای اینست که این استثناء را معلوم میکنند که این آقایان که برای کار خاصی آمده اند و مرتبه بر گردند و فوراً مدعی نشوند . کارهای امور خارجه ای نگردانند ، کارهای سیاسی نگردانند و البته برای این کار تربیت نشده اند ، باید این حسابش جدا باشد مقصود از پیشنهاد این ماده فقط همین است .

(در این موقع ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ، آقای رئیس ترسی ریاست را ترک نموده و آقای عماد تربتی (نایب رئیس) اداره جلسه را به عهده گرفتند)
نایب رئیس - آقای معاون وزارت امور خارجه
مشفق کاظمی (معاون وزارت امور خارجه) - عرض کنم جنبی مأمور که جناب آقای دکتر شاهکار امروز این طبقه و کاست را بازنگرانی بفرمایند در صورتی که بنده توضیح دادم و حالا هم چه از طرف دولت باشد و چه از طرف وزارت خارجه

اطمینان میدهم کاست وطبقه ای در کار نیست مقرراتی است مادامیکه خیلی خوشوقت هستم از جناب آقای فضائی که حقیقت مطلب را فرمودند چون برای بنده یقیندی سخت بود ، ممکن بود در خارج يك تعبیراتی بشود آقا ما از يك طرف معین میکنم که اصولاً این سازمان برای آتیه است که اول هم عرض کردم نه برای شش ماه و عرض کردم که ما در وزارت خارجه را نیستیم بلکه راه منجر برای ورود بوزارت خارجه تعیین کردیم و خواستیم این وزارتخانه از لحاظ سازمان مثل همه وزارتخانه های دنیا باشد ، بعد هم همانطوریکه ایشان فرمودند ما هم يك گرفتاریهائی داریم ، از یکطرف برای عضویت سیاسی و تشریفات قائلیم انوقت يك اشخاصی هم روزانه های دیگرمیخواهند وارد شوند ، بعد هم برنمیگردند آخر ما از این گرفتاریهائی داشته ایم ، اینها می آیند آنجا ، ان وقت چطور میشود که پایه اشکار معلوم بشود اینست که اینکار عملی شده است و در موارد لازم ارفاق شیده است ، لذا اینکه از این ماده در واقع برای آتیه استفاده میکنیم و برای اینست که صورت قانونی پیدا کند همانطوریکه جناب آقای امید سالار هم فرمودند شاید در موقع تصویب اینکار دیگر انجام شده باشد و این دو ماده یکی بشود ولی چطور میتونیم از یکطرف بگوئیم لیسانس حقوق داشته باشد لیسانس اقتصادی داشته باشد لیسانس اجتماعی داشته باشد ، تحصیل متوسطه داشته باشد و از طرف دیگر عضویت دایره راهما نظور که افافرمودند رئیس حسابداری میگویند این را لازم داریم بعد آقای رئیس حسابداری تشریف میبرند و آن آقا تشریف دارند ، او هم مثل فلان عضو حقوق میگردد و از وزارت امور خارجه در نظر گرفته اند و تصویب گردید مطلقاً شامل حال آنها نیست و برای اینست که این استثناء را معلوم میکنند که این آقایان که برای کار خاصی آمده اند و مرتبه بر گردند و فوراً مدعی نشوند . کارهای امور خارجه ای نگردانند ، کارهای سیاسی نگردانند و البته برای این کار تربیت نشده اند ، باید این حسابش جدا باشد مقصود از پیشنهاد این ماده فقط همین است .

(در این موقع ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ، آقای رئیس ترسی ریاست را ترک نموده و آقای عماد تربتی (نایب رئیس) اداره جلسه را به عهده گرفتند)
نایب رئیس - آقای معاون وزارت امور خارجه
مشفق کاظمی (معاون وزارت امور خارجه) - عرض کنم جنبی مأمور که جناب آقای دکتر شاهکار امروز این طبقه و کاست را بازنگرانی بفرمایند در صورتی که بنده توضیح دادم و حالا هم چه از طرف دولت باشد و چه از طرف وزارت خارجه

در در يك اسپری دو کاست تأیید فرمودند بنظر بنده تمام کسانیکه بعنوان کارمند در دستگاه دولت استخدام میشوند بقول آقای تیمورتاش اصل باید بر این باشد که اینها دارای صلاحیت هستند بیان ایشان این توم را ایجاد میکند که عده ای از کارمندان دولت این صلاحیت را ندارند ، اینرا بنده بعنوان يك مأمور مردم اینجا رد میکنم و تکذیب میکنم . این لایحه را ملاحظه بفرمایید وضع حسابداری وزارت امور خارجه را روشن میکنند . آقای فضایی تشریف آوردند فرمودند کارمندان وزارت دارائی که حسابدار هستند مأمور شده اند یا منتقل شده اند بوزارت امور خارجه برای امر حسابداری ، بنده نمیدانم این کجایش عیب است که حالا اینها بیرون کشند انوقت قانون بیاورند بگویند بوجوب يك ماده قانون مجلس حکم می کنند عده ای از کارمندان دولت از يك وزارتخانه ای بروند این یعنی چه ؟ این در شان مجلس نیست (یکی از نمایندگان - در اختیار وزیر است) در شان مجلس نیست که بوجوب ماده ای عدم صلاحیت عده ای از کارمندان دولت را تأیید کند بنده خیال می کنم که بکمال این پیشنهاد وزارت امور خارجه مطلقاً نباید موافقت کرد (صحیح است) بخصوص که دولت خودش راه دارد و وسیله دارد يك کارمندی را از يك دستگاهی به دستگاه دیگر منتقل کند (صحیح است) این مسئولیت عظیم را نباید بگردن مجلس شورای ملی بگذارند .

نایب رئیس - آقای مخبر توضیحی دارید ؟
مرآت اسفندیاری - عرض کنم مطالبی که آقای دکتر شاهکار فرمودند نسبت باین ماده و بعد هم همکار محترم جناب آقای مهندس جفرودی فرمودند بنده باید توضیح عرض کنم نظری که آقای دکتر شاهکار نسبت باین لایحه از ابتدا اتخاذ فرمودند که واقعا يك کاستی است یعنی بنده خیال می کنم که شاید باشد (مهندس جفرودی هست ؟) واقعا ممکن است باشد ولی توجه بفرمایند در هیچ این نامه ای که در وزارت امور خارجه هست این قید نشده ولی کادر وزارت خارجه باید يك کادر بخصوصی باشد ، آقای دکتر شاهکار حضرتعالی دو واقعه را در توضیح خودتان را در نامه اید و مطالب متعددی دیدم باید هیچ جا دیده اید (مقررات وزارت خارجه اش شبیه وزارت خانه های دیگر باشد ؟) باید اسپری دو کاست باشد این را نمیشود منکر شد بهین جهت است که آمده اند يك لایحه ای باین طول و تفصیل درست کرده اند بنده هم روز اول خدمتتان عرض کردم لایحه باین تفصیل برای اینست که واقعا آقایان مشورت کنند اولی که همیشه بظواهر مواد رأی میدهم ، عرض کنم توضیحی که جناب آقای معاون وزارت امور خارجه دادند نظر آقای دکتر شاهکار

در مورد این ماده که مورد بحث است تاریخ وزارت امور خارجه ثابت کرده کلیه کارمندان حسابداری که آمده اند به وزارت امور خارجه در اثر توسل و تشبث بعود آقایان موجب شده که عضو وزارت خارجه بشوند الان کادر چهارصد نفری یا ۳۰۰ نفری وزارت امور خارجه را که ملاحظه میفرمائید با یک بودجه ای که شاید یک سوم بودجه کشور نباشد تنش این نوع کارمندان اداری است که از طریق حسابداری وارد شده اند، وزارت خارجه هم مانع نیست قبول کرده و مقام هم باینها داده است همین لایحه را مطالعه بفرمائید آنها را حتی اجازه داده است که بمأموریت بروند ولی این را قبول بفرمائید که جوانی که بعد از ۲۴-۲۶ سال زحمت با این مقرراتی که هست زحمت کشیده وارد وزارت خارجه می شود همان مزایا را بدهند که به یک کارمند حسابداری میدهند که با امتحان حسابداری آمده است ثلث کارمندان وزارت خارجه از این نوع کارمندان من استعدا میکنم توجه بفرمائید آقای دکتر شاهکار تصور نفرمائید که غرضی در این هست ابتدا نیست، اگر نظری هست واقفاً بفرمائید با کمال میل انجام میشود ولی حقیقت امر

این است که میخواهند جلوی اینکار گرفته شود و کسی متوسل بحضرت عالی و سایر آقایان نشود که بوسیله اداره حسابداری وارد کادر سیاسی یا اداری وزارت خارجه بشود
نایب رئیس - جناب آقای اردلان بفرمائید.
اردلان - يك اصلی که در همه وزارت خانه ها قبول شده بنظر بنده باید موافقت شود که در اینجا نوشته شود و آن عبارت از این است که رئیس حسابداری هر وزارتخانه ای از طرف وزارت دارائی تعیین میشود برای اینکه مسئولیت پولی دارد باید محاسبات و بودجه و پرداختها و اعتبارات را تطبیق و رسیدگی کند و صلاحیت رسیدگی بمأمور مالی را کسی دارد که از طرف وزارت دارائی تعیین بشود. اما اینکه نسبت بسایرین تکلیف معین کنیم بنظر بنده زائد است باید آزاد گذاشت، چیز غریبی است، انتقال يك عضو از يك وزارتخانه ای به يك وزارتخانه دیگر ترتیب مقرری دارد، اگر وزارت امور خارجه آن عضو را قبول دارد موافقت میکند، ندارد با انتقالش موافقت نمیکند (صحیح است) توی قانون مورد ندارد این گفته شود بنده پیشنهاد

کردم که بجای ماده ۵۰ و ۵۱ نوشته شود که رئیس حسابداری از طرف وزارت دارائی معین میشود، باقی دیگر زائد است.
نایب رئیس - پیشنهادهای مربوطه ماده ۵۰ قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)
 پیشنهاد مینمایم ماده ۵۱ حذف شود عمیدی نوری
 پیشنهاد مینمایم بجای ماده های ۵۰ و ۵۱ ماده ذیل تصویب شود:
 ماده - رئیس حسابداری وزارت امور خارجه از طرف وزارت دارائی معین خواهد گردید.
اردلان
۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه
نایب رئیس - پیشنهاد دیگری نرسیده است و فعلاً هم رسیده ایم باول فصل سوم، این قانون سه فصل دارد، عرض کنم الان هم آقایان بایستی شعبه هارا تشکیل بدهند و از هر شعبه ای طبق تصمیم متخذه در مجلس سه نفر برای کمیسیون مختص بکارنفت انتخاب شوند، از اینجهت جلسه را ختم میکنیم، جلسه آینده روز یکشنبه

خواهد بود، و نظر باینکه طبق ماده ۱۲ آئین نامه انتخاب هیات رئیسه دائمی برای مدت یکسال است و روز دوشنبه مدت يك سال منقضی میشود و اگر چنانچه انتخاب هیات رئیسه را بروز سه شنبه بگذاریم مقام صالحی نخواهد بود که جلسه را اداره کند (صحیح است) لذا روز یکشنبه دستور انتخاب هیات رئیسه خواهد بود.
اردلان - اجازه میفرمائید
نایب رئیس - بفرمائید
اردلان - یک مرتبه که بنده رئیس شعبه ای بودم وقتی تشکیل شده بود چند نفر از آقایان نبودند و به اعتراض میگردند [که چرا همه حاضر نیستند و الان هم يك عده ای از آقایان رفته اند بنابراین اگر عده حاضر کافی است (عده ای از نمایندگان - بلو اکثریت هست) شعب را تشکیل بدهیم والا بعد عده ای خواهند گفت که بما خبر نداده اند.
نایب رئیس - طبق آئین نامه مانعی ندارد اکثریت هست
 (مجلس بیک ربع بظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی -
رضا حکمت